

بررسی رویکرد آموزشی گزینش ضابطه‌مند در حوزه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان

زهرا محمدی گونه

مدرس آژفا دانشگاه بین‌المللی قزوین

Zahra_hmg@yahoo.com

مهدی سبزواری

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

m.sabzevari@tpnu.shahryar.ac.ir

چکیده

بهره‌گیری از روش‌ها و رویکردهای مختلف آموزش زبان‌های خارجی به خصوص زبان انگلیسی به‌ویژه در دو سه دهه اخیر توجه محققان و مدرسان را به خود معطوف داشته‌است. در سال‌های اخیر مبحث تربیت مدرسان برای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان تلاش‌های بسیاری شده است و پژوهش‌های مختلفی انجام شده است اما آنچه باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد بومی‌سازی روش‌ها و رویکردهای مورد استفاده برای آموزش زبان انگلیسی برای آموزش فارسی به غیر فارسی‌زبانان است. چنانچه رویکرد و برنامه‌ی مدونی در اختیار مدرسان و دانشجویان رشته آژفا قرار بگیرد شاهد آموزش هدفمند، یکدست و موثرتر خارجیان علاقمند به زبان فارسی خواهیم بود. با وجود مشکلات فراوانی که در کتب آموزشی موجود و روش‌های تدریس متناسب با کتاب‌ها دیده می‌شود. در این مقاله ضمن معرفی اجمالی روش‌های مختلف تدریس زبان به رویکرد آموزشی گزینش ضابطه‌مند می‌رسیم و تلاش می‌شود تا با تکیه بر نقاط مثبت این رویکرد چگونگی بومی‌سازی این رویکرد در زمینه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه: رویکرد آموزشی گزینش ضابطه‌مند، آژفا، زبان‌آموزان، بومی‌سازی.

۱. مقدمه

مقاله حاضر پژوهشی نظری و کیفی پیرامون بررسی مزایای به‌کارگیری شیوه تلفیقی آموزشی گزینش ضابطه‌مند در مبحث آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان است. رویکرد آموزشی گزینش ضابطه‌مند شامل کاربرد راهکارها و شیوه‌های مختلف از روش‌های تدریس متداول است در حالیکه هر کدام از این راهکارها در جای خود ویژگی‌های مختص خود را دارا هستند. با توجه به نقاط قوت و ضعف هر کدام از روش‌های شناخته شده برای تدریس زبان اتخاذ رویکرد گزینشی ضابطه‌مند می‌تواند بسیار موثر و نتیجه بخش باشد. چنانچه مدرس زبان خود را با استفاده از روشی خاص محدود کند تداوم یادگیری زبان آموزان دچار نقص و اشکال می‌گردد و آموزش شکلی مکانیکی به خود می‌گیرد. استفاده و محدود شدن به شیوه‌ای خاص در واقع دور شدن از نیازهای واقعی زبان‌آموزان است و کلاس روشمند اما فاقد خلاقیت و بهره‌وری مناسب خواهد بود. البته در کنار کاربرد روش‌های تدریس لازمه تدریس موثر در دوره کنونی استفاده از کلیه امکاناتی است که فناوری به ما عرضه کرده است. همانطور که فریزن (۲۰۱۳: ۴) بیان می‌کند برای حمایت از ابتکار و جستجوگری دانش‌آموزان، آموزش الهام‌بخش آموزشی است که مدرسان فناوری نیرومند روز را به‌طور مدام با فرایند یادگیری تلفیق می‌کنند.

محققان و مدرسان زبان‌های خارجی همواره بدنبال رویکردها و شیوه‌های موثرتر برای پیشبرد و تسریع آموزش زبان دوم بوده‌اند. شیوه آموزشی ترجمه دستور^۱ به عنوان نخستین روش آموزش شناخته شده زبان در دهه‌های چهل تا هشتاد قرن نوزدهم بر آموزش زبان سایه افکنده بود. محققانی چون ریچارد و راجرز (۲۰۰۱: ۳۷) مشاهده کردند که روش آموزشی ترجمه دستور اساساً شیوه‌هایی برای مطالعه دستور زبان مقصد از طریق تحلیل قواعد دستوری آن زبان بود که نتایج این تحلیل برای ترجمه جملات و متون از زبان مقصد به زبان مبدا به‌کار گرفته می‌شد. بنابراین در ورای آموزش زبان بواسطه ترجمه و حفظ قواعد دستوری هدف دیگر مطالعه صرف و نحو زبان خارجی نهفته بود. در این شیوه غیرتعاملی و تک‌صدایی جریان

اطلاعات از معلم به دانشجویان و یکطرفه است. این شیوه دانشجویان را به سمت کاربرد زبان برای ارتباط سوق نمی‌داد. در واقع دانشجویان بعد از کلاس‌های متوالی قادر به صحبت کردن به زبان خارجی نبودند. در این شیوه بیشتر تاکید بر فرم و صورت بود نه معنی.

در روش مستقیم آموزش زبان^۲ هدف برقراری ارتباط بعد از آموزش بود و مانند شیوه‌ی قبلی آموزش قواعد دستوری دنبال نمی‌شد. در این شیوه به‌طور مستقیم معنای مدنظر در زبان اول با استفاده از تصاویر و تمرین‌ها به دانشجویان منتقل می‌شد. تعامل در این شیوه پرنگ‌تر بود و دانشجویان باید کاربرد صحیح جمله مربوطه و تلفظ درست کلمات را تکرار و تمرین می‌کردند. در دهه‌ی چهل و پنجاه قرن بیستم شیوه‌ی شنیداری گفتاری^۳ ابداع شد. این شیوه که تحت تاثیر روانشناسی رفتارگرا در آمریکا شکل گرفت دنبال حفظ کردن یک سری از دیالوگ‌ها و تمرین‌های طبقه‌بندی شده بود. به باور طرفداران این شیوه زبان مجموعه‌ای از عادات است و زبان گفتار است نه نوشتار. استفاده از این شیوه در دهه شصت به اوج خود رسید. مشکل اصلی این شیوه این بود اگرچه یادگیری دانشجویان در کلاس زبان آموزی خوب و موثر بود اما نمی‌توانستند در محیط واقعی ارتباط موثر برقرار کنند. در دهه شصت نگرش رمزی شناختی^۴ برای آموزش زبان شکل گرفت. هدف از این نگرش این بود که دانشجویان بتوانند زبان را به‌صورت خلاقانه در محیط واقعی و جامعه زبانی به کار برند. همانطور که اسکینی هان (۱۹۹۸:۳۰) بیان می‌کند این نگرش حداکثر خلاقیت را به دانشجو می‌دهد و هیچ محدودیتی برای ترکیب‌های جدید معنایی ندارد. همانطور که مشاهده می‌شود هر چه پیش می‌رویم شیوه‌ها از حالت قاعده بنیان و کنترلی و معلم محور به سمت آموزش آزاد و دانشجو محور می‌رود. این شیوه قاعده‌مندی زبان را هم در نظر دارد و دانشجو را قادر می‌سازد تا براحتی با قواعد جمله بسازد اما موقعیت‌های مختلف زبانی را برای این جمله سازی در نظر نمی‌گیرد و درحالی‌که دانشجو دانش ساخت جملات و انواع قواعد را دارد اما در موقعیت لازم نمی‌تواند جمله مناسب را تولید کند.

رویکرد بعدی برای جبران این نقیصه روش موقعیتی آموزش زبان^۵ است. این شیوه هم در دهه شصت و بعد از شیوه‌های قبلی رواج یافت. این شیوه شامل اصول‌های سیستماتیک انتخاب محتوی واژگانی و دستوری، تعیین سطح محتوی و ارایه بواسطه تکنیک‌های ارایه و تمرین موارد لازم در یک دوره است (ریچارد و راجرز، ۲۰۰۱:۳۸). در این شیوه موقعیت‌های مختلف کاربرد فرهنگ و زبان مقصد در کلاس مدنظر قرار می‌گیرد و کلاس به زبان مقصد برگزار می‌شود. این روش اگرچه نسبتاً موفق بود اما این واقعیت را در نظر نمی‌گرفت که زبان و ارتباط زبانی صرفاً موقعیت محور نیست و موارد متعددی در کاربرد زبان هست که قابل پیش‌بینی نیست. در واقع موقعیت‌های از پیش تعریف شده نیستند و انتخاب کلمات و جملات بسته به اشخاص و زمینه موجود بسیار متغییر خواهد بود.

شیوه دیگری که جهت رفع نقص آموزش موقعیتی مطرح شد نگرش ارتباطی^۶ آموزش زبان است. این شیوه اهداف و فرایندهای آموزش زبان را مدنظر دارد و این حقیقت که توانش ارتباطی زبان شامل قابلیت‌های بیانی، نفسی و انتقال معنا است. این نگرش برخاسته از گفته کلاسیک دل هایمز است. به گفته دل هایمز (۱۹۷۲:۲۷۹) قواعدی برای کاربرد زبان هست که بدون وجود آنها قواعد دستوری بی‌فایده خواهند بود. به سخنی دیگر دستور و واژگانی که در کلاس آموزش داده می‌شوند دنباله کارکرد، موقعیت یا بافت زبان و مشارکت کنندگان گفتگو هستند. در این نگرش معلم با فراهم آوردن شرایط و بافت‌های مختلف و تقویت بعد ارتباط لازم یادگیری زبان ارتباطی را برای زبان‌آموزان تسهیل می‌کند و زبان‌آموزان در تعامل با کلاس و با دانش اینکه یک صورت می‌تواند نقش‌های مختلفی داشته باشند معنی را به‌صورت خلاقانه و نه قالبی انتقال می‌دهند. با تمام برتری که نگرش ارتباطی آموزش زبان بر سایر روش‌ها دارد اما هیچ روشی تاکنون به‌عنوان شیوه‌ی همگانی و مطلقاً رایج و موفق در آموزش زبان مطرح نیست همانطور که نونان (۱۹۹۱:۲۲۸) اشاره می‌کند که مشخص شده است که هیچ شیوه‌ی آموزش زبان هرگز شیوه‌ی اول و آخر آموزش نبوده و در آینده هم نخواهد بود. در واقع به‌نظر می‌رسد بهترین روش برای آموزش زبان رویکردی است که گزینش ضابطه‌مند نام دارد و از سوی لارسون و فریمن (۲۰۰۰) مطرح شد. این رویکرد بر کاربرد شیوه‌ها و نگرش‌های مختلف، انتخاب تکنیک‌های متفاوت از هر شیوه‌ی آموزشی تاکید دارد براساس این نگرش مدرس زبان با در نظر گرفتن اهداف آموزشی و موقعیت و بافت زبانی از تکنیک‌های مختلف بهره می‌گیرد. جداسازی آموزش دستور و واژگان در این نگرش مطرح نیست و تمام بخش‌های زبان به‌طور مناسب مورد توجه قرار می‌گیرند. نیاز سنجی زبان‌آموزان در این رویکرد حائز اهمیت است و براین اساس مدرس به‌طور مثال دوره آموزش نوشتن را به‌طور کاربردی و عملی تدوین می‌کند و برای آموزش از روش‌های مختلف بهره می‌گیرد. به‌نظر محققان این حوزه مدرس مسلط در آموزش با

ترکیب متن‌ها، بافت‌های مختلف زبانی و با شیوه‌های مختلف و با توجه به نیاز زبان‌آموز زبان را به صورت کاربردی آموزش می‌دهد.

محققان مختلفی در حوزه آموزش زبان دربارۀ رویکرد گزینش ضابطه‌مند کار کرده‌اند و مطلب نوشته‌اند اما هیچکدام این شیوه را به عنوان روشی مستقل مانند شیوه‌ی ارتباطی آموزش زبان و در کنار سایر شیوه‌های مستقل آموزش زبان مدنظر قرار نداده‌اند.

در مقاله حاضر تلاش می‌شود تا با اتکا به ماهیت و مبنای رویکرد آموزشی گزینش ضابطه‌مند در جهت بومی سازی این رویکرد در حوزه‌ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان به راهکارهای مشخصی دست یابیم چرا که آموزش زبان تلفیقی از شیوه‌ها و روش‌های مختلف جهت رسیدن به حداکثر میزان کارایی و نتیجه مطلوب است. به باور بسیاری محققان و مدرسان حوزه آموزش زبان اتکا به شیوه‌ای خاص برای آموزش زبان راه‌گشا نخواهد بود. موقعیت و متن و محیط آموزش زبان و حتی شباهت زبان مقصد به زبان مادری همه عواملی هستند که تلفیق روش‌ها را سبب خواهند شد. آموزش موفق آموزشی خواهد بود که موقعیت محور و زبان‌آموز مدار باشد و در عین استفاده از روش‌های مختلف، آموزش به شیوه‌ای خاص محدود نشود.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلف و متنوعی در مورد نکات آموزشی و متغیرهای دخیل در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان صورت گرفته است اما پژوهشی به طور خاص در مورد رویکرد تلفیقی در مبحث آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان یافت نشد. نمونه پژوهش‌های صورت گرفته از بین پژوهش‌های متعدد در حوزه آموزش زبان فارسی عبارتند از: ابزارهای آموزش زبان فارسی در محیط مجازی: از طراحی تا اجرا (وکیلی فرد و دیگران، ۱۳۹۱)، تأثیر آموزش شبکه‌های واژگانی بر درک مطلب فارسی‌آموزان غیرایرانی (رقیب دوست و جمشیدی، ۱۳۹۱)، کارکرد های زبانی: واکاوی نیاز های زبانی کارکردی فارسی‌آموزان (غریبی و صحرايي، ۱۳۹۲)، تدوین فهرست واژگان پایه برای زبان فارسی: رویکردی تلفیقی (عبادی و دیگران، ۱۳۹۳)، رویکرد مفهومی - نقشی در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان (صحرايي و دیگران، ۱۳۹۳)، تأثیر به‌کارگیری راهبردهای فراشناختی، اجتماعی و عاطفی بر میزان موفقیت فارسی‌آموزان غیرایرانی در مهارت نوشتاری (صدیقی فر و خالقی زاده، ۱۳۹۶)، ارزیابی محتوای دستور در منابع آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بر پایه‌ی رویکرد دستورا آموزشی (هادی زاده و دیگران، ۱۳۹۷).

۳. رویکرد آموزشی گزینش ضابطه‌مند در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان

با علم به این موضوع که هیچ کتب آموزشی نمی‌تواند کامل باشد و از تمام تکنیک‌ها و شیوه‌ها به طور متناسب بهره‌بردار و با در نظر گرفتن این نکته که مدرس به عنوان یک عامل انسانی از خطا مبرا نیست و توانایی‌های افراد مختلف متفاوت است هدف از ترویج این رویکرد تلاش برای کاربرد شیوه‌های مختلف در جای خود و متناسب با زبان‌آموز و محیط آموزشی است. در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دو عامل متن و مدرس می‌تواند با این رویکرد بسیار اثربخش‌تر باشند.

همانطور که پیشتر اشاره شد مفهوم آموزش تلفیقی با آموزش گزینش ضابطه‌مند همپوشانی دارد از این رو قبل از ادامه بحث به اختصار در مورد نگرش گزینشی ضابطه‌مند مطالبی بیان می‌شود. گائو (۲۰۱۱) معتقد است که این شیوه مدرس را به چالش می‌کشد که هر تصمیمی در مورد آموزش کلاس و فعالیت‌های کلاسی مبتنی بر درک جامع و کامل از همه نظریه‌های یادگیری و آموزش‌های مرتبط است. اینکه زبان چگونه آموخته می‌شود و ماهیت تدریس چیست. گائو (۲۰۱۱:۱) بیان می‌کند که نگرش گزینشی یک روش مجزای ملموس نیست بلکه روشی است که گفتن، شنیدن، خواندن و نوشتن را باهم ترکیب می‌کند و شامل فعالیت‌های کلاسی است. وی بیان می‌کند که روش‌های تدریس مرسوم کنونی تلفیقی از روش ترجمه دستوری، روش ساختاری و آموزش ارتباطی است و به مدرسان توصیه می‌کند که از نقاط قوت همه این روش‌ها استفاده کنند درحالی‌که نقاط ضعف آنها را کنار می‌گذارند. در واقع هیچ روش ایده‌آلی برای آموزش زبان نیست و معلم با توجه به کلاس و موقعیت و

سطح زبان‌آموزان آزاد است تا شیوه‌های مختلف را به‌کار بندد. تدریس با این نگرش انعطاف‌پذیر و ورای شیوه خاصی است.

کومار (۲۰۱۳:۲) اظهار می‌کند که هدف از گرایش به شیوه‌های گزینشی آن است تا تجارب زندگی را به ایده‌های موجود در یادگیری زبان مرتبط کنیم. نوع فعالیت‌های یادگیری که مدرس برمی‌گزیند غالباً به‌طور مستقیم با تجارب مدرسان در دنیای واقعی مرتبط است. در واقع این رویکرد باعث می‌شود زبان‌آموزان احساس ترس و ناامیدی از آموزش زبان نداشته باشند و احساس کنند در محیطی مانند خانه خود حضور دارند. علاوه بر این، در یک کلاس درس می‌توان برای انتقال مفاهیم از موسیقی، جلوه‌های صوتی و تصویری بهره گرفت. بنابراین مدرس خود را محدود به گفتار صرف در کلاس نمی‌کند.

در واقع تمام روش‌ها باید در خدمت زبان‌آموز باشد و توجه مدرس به جای اجرای تمام و کمال اصول یک روش باید متوجه کمک به زبان‌آموز جهت پیشرفت هر چه بیشتر باشد. والی (۲۰۰۹:۳۶) مشاهده می‌کند که با اتخاذ رویکرد گزینشی موثرترین شیوه برای معلمان این است که زمینه انواع و اقسامی از فعالیت‌ها را فراهم آورند که نیازهای سبک‌های مختلف یادگیری را برآورده سازد و اینکه همه زبان‌آموزان حداقل فعالیت کلاسی را که دلخواه آنهاست داشته باشند... مدرسان به تکنیک‌هایی نیاز دارند که در موقعیت‌های خاص و با اهداف خاص کارایی دارد و برای آن دسته از زبان‌آموزانی که در کلاس‌شان دارند موثر است.

لی (۲۰۱۲:۱۷۰) بیان می‌کند که زبان‌آموزان مرکز کلاس هستند. آنها نقش‌های چندگانه‌ای دارند. به‌عنوان فرد مشارکت‌کنندگان فعال آن فعالیت، در حال کشف آن زبان، مخاطب و ارزیاب فرایند یادگیری هستند. نیازها و منافع آنها بر گروه تاثیرگذار است. زبان‌آموز به‌عنوان عضوی از گروه، منبع اطلاعات دریافتی یک نظام حمایتی است. زبان‌آموزان در فعالیت‌های کلاسی با هم همکاری و مشارکت دارند. خروجی آنها ورودی دیگران است. به یکدیگر در حل مسایل کمک می‌کنند به جای اینکه فقط به معلم متکی باشند. ما می‌توانیم از بحث‌های گروهی برای حل مسایل استفاده کنیم و این موضوع باعث تقویت استقلال فردی می‌شود. در یک کلام زبان‌آموز ابتکار عمل را در کلاس به‌دست می‌گیرد.

به‌طور کلی در مورد این رویکرد می‌توان به چهار مورد زیر اشاره کرد (کومار، ۲۰۱۳:۲):

- ۱- برای زبان‌آموزان درک و فهم زبان متن در بافت فرهنگی آن ساده‌تر است.
- ۲- این رویکرد چهار مهارت صحبت کردن، شنیدن، خواندن و نوشتن را با هم می‌آمیزد.
- ۳- به مدرس کمک می‌کند بواسطه تمرکز بر نقاط قوت روش‌های مختلف و پرهیز از نقاط ضعف آنها به‌صورت اثربخش تدریس کند.

۴- یادگیری بدلیل کاربرد موقعیت‌های واقعی در محیط کلاس راحت‌تر خواهد بود. مزایای دیگری را نیز می‌توان برای این رویکرد برشمرد از جمله اینکه زبان‌آموز محور، بافت متکی، زنده و پویا، انگیزشی و مشارکتی است و شامل انواع مختلف و متنوعی از فعالیت‌های کلاسی است. این رویکرد انعطاف‌پذیر است و چون با توجه به نیازهای زبان‌آموزان تعدیل می‌شود نتایج آموزشی آن بسیار ملموس و با زمان کمتری قابل مشاهده است.

این رویکرد معایبی نیز دارد از جمله اینکه مدرس نتواند به‌درستی بین روش‌های مختلف توازن برقرار کند در واقع به نوعی ممکن است در روش‌های مختلف گم شود و از وظیفه‌ی اصلی خود که معلمی کردن است دور شود یعنی فردیت معلم ممکن است کمرنگ شود و خود معلم ممکن است احساس کند که آنچنان مفید نیست و صرفاً انتخابگر بین روش‌های مختلف است.

فارغ از محاسن و معایب این رویکرد آنچه مهم است اثربخشی آن است که می‌تواند در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان مشهود باشد. با این رویکرد تلفیقی و با توجه به مطالبی که تاکنون بیان شد چهار عنصر باید توانمند مورد توجه مدرسان زبان فارسی باشد. با توجه به اینکه عموماً دوره‌هایی که در داخل برگزار می‌شوند به لحاظ زمانی نسبتاً کوتاه هستند عامل زمان ما را به‌سوی برطرف کردن نیازهای صرفاً ارتباطی روزمره می‌کشاند در واقع بحث نیاز سنجی بسیار مهم است زیرا که نیاز زبان‌آموزان آشنایی با متون ادبی و داستانی و آموزه‌های

فرهنگی غیره نیست بلکه باید ابتدا صرفاً به مهارت‌های ارتباطی توجه شود و مهارت‌های ارتباطی براساس این رویکرد موقعیت محور و بافت متکی است.

چنانچه دوره واجد زمان لازم و بلند مدت بود مدرس می‌تواند همزمان به تقویت مهارت‌های چهارگانه پردازد و از هر کدام جهت تقویت دیگری بهره‌برد. با توجه به اینکه کتب موجود در زمینه آموزش زبان فارسی غالباً مدرس محورند تا زبان‌آموز محور یعنی در جهت راحتی کار مدرسان نوشته شده‌اند بهتر است مدرسان از مواد دیگر آموزشی در کلاس بهره‌گیرند حتی می‌توانند در مواردی افرادی را با لهجه معیار مهمان کلاس کنند تا آنها دیالوگ‌های ارتباطی در فضای کلاس به صورت زنده تمرین کنند.

با توجه به رویکرد تلفیقی ترجیحاً کلاس به زبان فارسی برگزار می‌شود و اگر موارد خاصی بود که قابل فهم نبودند ترجمه به انگلیسی ارائه می‌شود. گفتگوها صرفاً براساس موقعیت تعریف شده نباشد و مدرس مطابق روش ارتباطی به زبان‌آموزان اجازه دهد که بین موقعیت‌های مختلف ارتباط کلامی برقرار کنند. در واقع مدرس جریان ارتباط را با الگوهای مشخصی آغاز می‌کند اما ادامه و تکمیل آن باید نسبتاً آزاد باشد تا زبان‌آموز احساس بهتری داشته باشد این رویکرد زبان‌آموز را به سمت مشارکت هر چه بیشتر در گفتگوهای کلاس سوق می‌دهد و انگیزه وی را تقویت می‌کند تا جایکه حتی زبان‌آموزان به یکدیگر در مواردی داوطلبانه کمک می‌کنند و صرفاً از معلم کمک نمی‌گیرند.

مدرس بهتر است پا را فراتر از کتب آموزشی گذارد و با آگاهی از روش‌های مختلف و کاربرد آنها در جای مقتضی فضا را برای مشارکت زبان‌آموزان باز کند.

این نگرش در حالیکه از آموزش صورت‌گرا در دستور بازنمی‌ماند باعث می‌شود با اتخاذ آن زبان‌آموز در زبان شفاهی غوطه‌ور شود و زمینه آموزش را با بافت‌هایی در موقعیت‌های واقعی زندگی فراهم می‌کند و به تعاملات متناسب در بافت‌های اجتماعی توجه دارد. اکنون بار دیگر تکنیک هر کدام از روش‌های تدریس مطرح شده در مقدمه مقاله را به‌طور جداگانه در جدول 1 مرور می‌کنیم تا بتوانیم چگونگی کاربرد رویکرد گزینشی ضابطه‌مند را در حوزه آموزش زبان فارسی شرح دهیم.

جدول ۱. تکنیک‌های روش تدریس

روش ترجمه دستور	← تاکید بر ساخت و دستور زبان و حفظ کردن واژگان با محوریت معلم
روش آموزش مستقیم	← تاکید بر انتقال معنی و تلفظ درست از کنار آموزش دستور با تمرین و تکرار
روش شنیداری گفتاری	← استفاده از تمرین‌های مشخص و طبقه‌بندی شده و تکرار جهت افزایش یادگیری در کلاس
روش موقعیتی	← انتخاب محتوای واژگانی و دستوری، تعیین سطح محتوا و آرایه بواسطه تکنیک‌های آرایه و تمرین و لحاظ کردن موقعیت‌های مشخص گفتگو
نگرش ارتباطی آموزش زبان	← تاکید بر کاربرد واقعی زبان و تقویت بعد ارتباطی زبان، تقویت یادگیری زبان کاربردی و ارتباطی برای زبان‌آموزان از سوی معلم در شرایط و بافت‌های مختلف با محوریت زبان‌آموز

هرچه از ابتدا تا کنون روش‌ها تغییر می‌کنند کلاس از حالت تک صدایی و معلم محوری بدل به چند صدایی و زبان‌آموز محوری می‌شود. حال اگر بخواهیم رویکرد گزینشی ضابطه‌مند را در مورد آموزش زبان فارسی به‌کار ببندیم باید به تمام روش‌های فوق به نحوی اتکا داشته باشیم. اعمال رویکرد آموزش گزینشی ضابطه‌مند شامل مدنظر قرار گرفتن نکات زیر است:

۱- در متون آموزشی هر درس حاوی متنی برای بهبود تلفظ و متنی برای افزایش دایره واژگان و درک مطلب و متنی برای ارتقا ارتباط واقعی خواهد بود. نکات دستوری نیز از سوی معلم به صورت تدریجی و اتفاقی بیان می‌شود اما از حفظ کردن واژگان اجتناب می‌شود.

۲- هر درس حاوی موقعیت‌های ساختگی و واقعی و موضوع محور است. موقعیت ساختگی را زبان‌آموز تمرین می‌کند اما موقعیت واقعی را با طرح موضوع و واژگان پیشنهادی در متن و با کمک مدرس و سایر زبان‌آموزان خلق می‌کند. کتاب حاوی پیشنهاد برای خلق موقعیت‌های مختلف و جدید به همراه واژگان پیشنهادی است. گفتگو شروع می‌شود و با مشارکت سایرین مرحله به مرحله پیش می‌رود.

۳- مدرس در کلاس نقش تسهیل‌کننده را دارد و کلاس را هدایت می‌کند جریان اطلاعات در کلاس بخشی با برنامه قبلی و بخشی از کلاس بدون برنامه و آزاد است. مدرس با خلاقیت از روش‌های مختلف متناسب با جو کلاس و سطح درس مربوطه بهره می‌گیرد. به طوریکه اگر در درسی لازم شد از تمرین‌های بیشتری استفاده می‌کند اگر سطح زبان‌آموزان در گفتگویی موقعیتی فراتر از حد انتظار بود گفتگو را فرامووعیتی می‌کند و بافت‌های جدید را مطرح می‌کند. مدرس در فرایند یادگیری دخالت مستقیم نمی‌کند بلکه بخشی از کلاس و تسهیل‌کننده است. هر یک از زبان‌آموزان می‌توانند برای نفر بعدی نقش شبیه مدرس را داشته باشند تمام سوالات به معلم هدایت نمی‌شود بخشی توسط خود زبان‌آموزان پاسخ داده می‌شود. مدرس هر جا احساس کرد میزان استفاده از یک تکنیک یا شیوه را بیشتر می‌کند.

۴- زبان آموز، انگیزه و نیازهای وی در کانون توجه است. میزان تحصیلات، سن، شغل، پیشینه فرهنگی، زبان اول، جنسیت، پشتکار و وضعیت فکری و روانی زبان‌آموز همواره مورد توجه مدرس است. فضا به گونه‌ای باید باشد که زبان‌آموز احساس راحتی کامل کند و با آزمون و خطا در جهت رشد زبانی پیش رود.

۵- ارزش‌های فرهنگی جامعه مقصد از خلال متون هر درس و به صورت نامحسوس آموزش داده می‌شود تا موجب شوک فرهنگی نشود. کتاب‌های درسی همراه با تصاویر و فایل‌های شنیداری است. هر درس دارای بار آموزشی و فرهنگی است.

۶- نکته آخر توجه به خلاقیت به خصوص در مراحل پیشرفته آموزش زبان است. در جهان امروز پرورش خلاقیت یکی از محورهای اساسی نظام‌های آموزشی است معلمان نقش بسیار اساسی در رشد و یا عدم رشد خلاقیت زبان‌آموزان دارند. روانشناسان پرورشی معتقدند مدرسان می‌توانند شیوه‌های تفکر واگرا و راه‌های تقویت توانایی‌های خلاقانه را به افراد بویژه کودکان و نوجوانان بیاموزند. برای توجه به خلاقیت باید مواردی از جمله ایجاد انگیزه با تقویت خودباوری و دادن آزادی کافی و ایجاد محیط‌های انعطاف‌پذیر مورد توجه قرار گیرد. معلم باید در جهت تقویت تفکر خلاق، دانش‌آموزان را در طرح سوالات و ارائه پاسخ‌ها و راه‌حل‌ها آزاد گذاشته و ضمن دادن آزادی بیان از مشارکت آنان استقبال نماید. بطوری‌که از حرف زدن ترسی نداشته باشند و مورد تمسخر و یا بی‌اعتنائی قرار نگیرند. سیستم‌های آموزشی معلم محور چنین خصوصیات را ندارند. محیط‌های انعطاف‌پذیر و تا حدودی آزاد به پرورش استعدادها و خلاقانه کمک شایانی می‌کنند. علاوه بر این برای تقویت خلاقیت باید با ایجاد ساختارهای مناسب شامل ایجاد محیط کلاسی برانگیزاننده خلاقیت مثل محرک‌های بصری، فضای کافی، نحوه چینش صندلی‌ها، روش تدریس فعال و اکتشافی و ایجاد امنیت روانی به این موضوع توجه کرد. علاوه بر این مدرس باید پذیرای تفاوت‌های فردی باشد. دانش‌آموزان اساساً دارای توانایی‌ها و تمایلات متفاوت هستند بنابراین نظام آموزشی و معلم باید به این نکته مهم توجه و انعطاف آموزشی لازم را داشته و متناسب با ظرفیت‌های افراد در جهت رشد استعدادها از خلاقیت آنان تلاش نماید.

چهارمین همایش ملی آموزش زبان فارسی - ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir

۴. جمع‌بندی

رویکرد تلفیقی در یکی دو دهه اخیر حاضر بهترین شیوه برای آموزش زبان‌های خارجی است. و چنانچه با تدبیر و مهارت لازم از سوی مدرس به کار گرفته شود در کوتاه‌ترین زمان ممکن نتیجه مورد نظر که همان یادگیری موثر است حاصل خواهد شد. کاربرد هیچ روش و شیوه‌ای به تنهایی قادر نخواهد بود تا آموزش زبان خاصی را تسهیل کند.

در کاربرد رویکرد آموزشی گزینش ضابطه‌مند برای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان برای رسیدن به نتایج بهتر باید به موارد زیر توجه داشت. مدرس زبان همواره باید به نیازها و توانای‌های زبان‌آموزان هر کلاس به طور جداگانه توجه داشته باشد و مطابق این فاکتورها برای آموزش زبان فارسی برنامه‌ریزی و با تشخیص خود از شیوه‌های متفاوت در زمان خود استفاده کند. در این رویکرد مدرس برای انتخاب شیوه مورد نظر اختیار کامل دارد به شرطی که این انتخاب براساس توانایی و نیاز زبان‌آموزان و موقعیت جاری باشد. البته لازمه این نوع تدریس داشتن مدرسانی مجرب و با انگیزه است تا ضمن تسلط و آشنایی با شیوه‌های مختلف تدریس توانایی به کاربردن آنها را بسته به کلاس و زبان‌آموزان مختلف داشته باشند.

ویژگی دیگر رویکرد گزینش ضابطه‌مند، نقش زبان اول در یادگیری زبان دوم است. برای تشویق و ترغیب کردن زبان‌آموزان برای ایجاد ارتباط در کلاس و فعالیت‌های کلاسی، مدرسان این امکان را می‌دهند که زبان‌آموز در تلاش برای کاربرد زبان فارسی از زبان اول خود نیز استفاده و کدگردانی و کدآمیزی کنند. البته برای رسیدن به این شرایط بهتر است اگر تعداد زبان‌آموزان به حد کافی بود و امکانات اجازه می‌داد زبان‌آموزان به لحاظ زبانی در کلاس‌های جداگانه تفکیک شوند

به‌طور مثال کسانی که زبان اول شان روسی است در یک کلاس و کسانی که زبان اول شان انگلیسی است در کلاس دیگری باشند. چنانچه مدرس به غیرزبان‌انگلیسی به زبان مادری زبان‌آموزان مسلط باشد و یا دو زبانه باشد این شرایط به صورت ایده‌آل محقق خواهد شد.

سومین ویژگی رویکرد آموزشی گزینش ضابطه‌مند همان است که موقعیتی و بافت متکی خواننده می‌شود. در واقع براساس اینکه زبان آموز فارسی قرار است فارسی را در چه محدوده زمانی، در چه سطحی و برای چه منظوری و در چه مکانی یعنی در کشور خود یا ایران یاد بگیرد مدرس شیوه‌های مختلفی را اتخاذ می‌کند. در واقع شیوه‌ها و رویکردهای عام و برای تمام زبان‌ها ارایه می‌شوند اما کاربرد آنها کاملاً بومی و موقعیت مدار است. به‌طور مثال چنانچه مدرس متوجه باشد زبان‌آموزان در کنار یادگیری زبان فارسی برای ارتباط بیشتر مشکل تلفظی دارند بیشتر متوجه شیوه شنیداری گفتاری می‌شود و چنانچه بیشتر در امر ارتباط مشکل داشته باشند رویکرد ارتباطی را به کار می‌برند و حتی ممکن است با توجه به نیاز زبان‌آموز به شیوه ترجمه دستوری هم متوسل شد و قواعد دستوری را آموزش داد. همه چیز بسته به موقعیت کلاس و بر مدار زبان‌آموز می‌گردد. بومی سازی به این معنا است که ما با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف آموزش زبان در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان مختصات زبان فارسی و نقاط ضعف احتمالی زبان‌آموزان را در حین آموزش بباییم و با تغییر شیوه و اتخاذ راهکار مناسب به نتیجه مطلوب برسیم.

در رویکرد آموزشی گزینش ضابطه‌مند برای آموزش فارسی تمرکز بر نقاط ضعیف زبان‌آموزان آن دوره و کلاس و تغییر و انتخاب شیوه متناسب با آن موقعیت است در واقع به‌جای تمرکز بر متن، کتاب آموزشی و مدرس تمرکز بر انتخاب، تغییر شیوه آموزشی، زبان‌آموز و موقعیت آموزش است. در این رویکرد متن کتاب آموزشی و مدرس در خدمت زبان‌آموز و موقعیت است.



1. The Grammar-Translation Method
2. The Direct Method
3. The Audio-Lingual Method
4. Cognitive code learning
5. Situational language teaching
6. Communicative Language Teaching



پی‌نوشت

منابع

- رقیب‌دوست، شهلا؛ رویا جدیری جم‌شیدی؛ تأثیر آموزش شبکه‌های واژگانی بر درک مطلب فارسی‌آموزان غیر ایرانی؛ پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، دانشگاه بین‌المللی قزوین، ۱۳۹۱. www.anjomanjournal.com
- صدیقی فر زهره، شراره خالقی زاده، تأثیر به‌کارگیری راهبردهای فراشناختی، اجتماعی و عاطفی بر میزان موفقیت فارسی‌آموزان غیر ایرانی در مهارت نوشتاری. پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، دانشگاه بین‌المللی قزوین، ۱۳۹۶.
- صحرائی و دیگران، رویکرد مفهومی-نقشی در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، دانشگاه بین‌المللی قزوین، ۱۳۹۳.
- عبادی سامان و دیگران، تدوین فهرست واژگان پایه برای زبان فارسی: رویکردی تلفیقی، پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، دانشگاه بین‌المللی قزوین، ۱۳۹۳.
- قریبی افسانه، رضا مراد صحرائی؛ کارکردهای زبانی: واکاوی نیازهای زبانی کارکردی فارسی‌آموزان؛ پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، دانشگاه بین‌المللی قزوین، ۱۳۹۲.
- وکیلی‌فرد و دیگران، ابزارهای آموزش زبان فارسی در محیط مجازی: از طراحی تا اجرا؛ پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، دانشگاه بین‌المللی قزوین، ۱۳۹۱.
- هادی‌زاده و دیگران؛ ارزیابی محتوای دستور در منابع آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بر پایه‌ی رویکرد دستورآموزشی. پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، دانشگاه بین‌المللی قزوین، ۱۳۹۷.

Brown, H. (2002). *English Language Teaching in the "Post-Method" Era: Toward better Diagnosis, Treatment, and Assessment*. In J. R. W. Renandya (Ed.), *Methodology in Language Teaching: An Anthology of Current Practice* (pp.9-18). Cambridge: Cambridge University Press.

- Friesen, S., & Scott, D. (2013). Inquiry-based learning: A review of the research literature. *Alberta Ministry of Education*, 3(3), 119-127.
- Gao, L. (2011). *Eclecticism or Principled Eclecticism*. *Creative Education*, 2 (4), 363-369.
- Kumar, C.P. (2013). *The Eclectic Method: Theory and Its Application to the Learning of English*. *International Journal of Scientific and Research Publication*, 3 (6), 2250-3553.
- Larsen-Freeman, D. (2000). *Techniques and principles in language teaching (2 ed.)*. Oxford: Oxford University Press.
- Li, W. (2012). *An Eclectic Method of College English Teaching*. *Journal of language Teaching and Research*, 3 (1), 166-171.
- Luo, L. H. (2001). *Introduction to comprehensive teaching methods in college English teaching*. *Foreign Language World*, 4, 5-9.
- Mellow, J. D. (2002). *Towards principled eclecticism in language teaching: The two-dimensional model and the centering principle*. *Teaching English as a second or Foreign language TESL-EJ*, 5 (4), 1-17.
- Mwanza, D. D. (2017). *The Eclectic Approach to Language Teaching: Its Conceptualization and Misconceptions*. *International Journal of Humanities Social Sciences and Education (IJHSSE)*, 4 (2), 53-67.
- Nunan, D. (1991). *Language teaching methodology*. Sydney: Prentice-Hall.
- Richards J.C., Rodgers T.S. (2001). *Approaches and Methods in Language Teaching*; Cambridge University Press.
- Rivers, W. (1981). *Teaching Foreign Language Skills*. Chicago: University of Chicago Press.
- Stakanova, E. Tolstikhina, E. (2014). *Different approaches to teaching English as a foreign language to young learners*. *Third annual conference of early childhood care and education*
- Skehan P. (1998). *A Cognitive Approach to Language Learning*. Oxford University Press, 1998, p.222-232.
- Stren, H. (1983). *Fundamental concepts of language teaching*. Oxford: Oxford University press.
- Tarone, E. A. (1989). *Focus on the Language Learner*. Oxford: Oxford University Press.
- Wali, N. H. (2009). Eclecticism and language learning. *Al-Fatih Journal*, 39, 34-41.



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام



چهارمین همایش ملی آموزش زبان فارسی - ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir